ادامه از صفحه اول

نفی منظومه‌ها در ایران

اگر به کسی بگوییم از یک تا صد بشمار و او یک عدد را جا بیندازد، آیا می‌توانیم بگوییم صد درصد اشتباه کرده است؟ اگر بر این تفکر باشیم می‌توانیم بگوییم کارهای دولت آقای روحانی صد درصد غلط بوده است. حتما می‌توان گفت که گزارش رئیس دیوان محاسبات اشتباهاتی داشته است کما اینکه رئیس بانک مرکزی در توضیحات خود در حد چند صد میلیون دلار ارجاعی به تعزیرات یا قابل ارجاع به قوه قضائیه را قبول کردند. هم رئیس دیوان محاسبات اطلاعاتی به‌روزنشده، ناقص و غیرروشن ارائه داد و هم رئیس‌جمهور اصلا معنی صد درصد غلط را به اشتباه به‌کار بردند و بیم آن می‌رود که رئیس دیوان محاسبات در مقام حمله سیاسی به دولت و رئیس‌جمهور در مقام تبرئه زیرمجموعه خود به نحو غیرمنطقی و غیرممکن، عبارت صد درصد را به‌کار برده باشند. البته نباید فراموش کنیم که دولت‌ها، ازجمله دولت نهم و دهم و همچنین دولت یازدهم و دوازدهم، مثل سایر دولت‌ها اصلا متوجه ارزش ارزی که با زحمت و تلاش مجدانه کارکنان نفت به‌دست می‌آید و ارزش خون اقتصادی ملت را دارد، نیستند بلکه از ارز گران‌بها به‌جای توسعه کشور، ایجاد اشتغال پایدار، برای گذران دولت خود استفاده می‌کنند. اگر بگوییم دوستان منظومه ارزی را نمی‌شناسند یا منظومه فکری‌شان در تحلیل و بیان مطالب ناقص است، به طرح فاجعه‌ای اقدام کرده‌ایم و تنها آن را به‌حساب جهت‌گیری می‌گذاریم و البته نباید فکر کرد که در همه دولت‌ها بخش مهمی از ارز کشور به‌معنای عام برای اداره کشور و رضایت سطحی جامعه به تاراج رفته است. حال چند بیان دیگر را هم مثال می‌زنیم؛ دولت در جریان اقدامات ترمیمی برای هزینه‌های مردم ضعیف‌البنیه اقتصادی اعلام کرد که یک میلیون تومان وام با بهره ۱۲درصد به آنها داده می‌شود و اقساط آن از محل یارانه تأمین می‌شود. این روش مورد اعتراض قرار گرفت و سازمان برنامه بعدا اعلام کرد که این وام قرض‌الحسنه است و فقط چهار درصد کارمزد دارد. به این کاری ندارم که این رقم فقط معادل ۶۲ دلار است، بلکه می‌خواهم بگویم مگر اندکی اندیشه در سازمان برنامه، هیئت دولت و سخنگوی محترم آن وجود ندارد که امری بدین سادگی را تحلیل کند و با درایت تصمیم بگیرد که تلون مزاج خود را چنین به رخ منتقدان می‌کشانند؟ البته از سازمان برنامه و دولتی که خود را عاجز از قطع یارانه ثروتمندان نشان می‌دهد بیش از این انتظار نمی‌رود. اگر منظومه‌های فکری و اجرائی در داخل کشور دچار سردرگمی نمی‌شود، چاره‌کردن نتایج آن بسیار مشکل و هزینه‌ساز است. به مسئله شیوع کرونا در کشور نگاه کنیم؛ درحالی‌که مرجع رسمی این امر در کشور وزارت بهداشت است ببینید چه آش شله‌قلم‌کاری در کشور در جریان است و خود وزارت بهداشت هم ظاهرا در برخورد با مسائل و افراد، خفض جناح می‌کند. ابتدا ازسوی فردی ملبس به لباس روحانیت پنبه آغشته به روغن بنفشه توصیه می‌شود. شخص دیگری درباره مصرف دو لیوان آب لیموسنگی می‌گوید، در فضای مجازی قرقره آب‌نمک توصیه می‌شود. تزریق ویتامین‌سی توصیه می‌شود، مصرف کورتون در بیماران بدحال مفید اعلام می‌شود. داروی فای‌پراویر مطرح می‌شود که نتیجه داده است، ولی وزارت بهداشت آن را برای افراد خاص ذخیره کرده است. خوردن ادرار شتر برای شفای همه بیماری‌ها اعلام می‌شود. بخور آب جوش و اکالیپتوس و بوکردن نارنج و پرتقال توصیه می‌شود و سرانجام دستگاهی مطرح می‌شود که از فاصله در عرض چند ثانیه بیماران کرونایی را تشخیص می‌دهد. در این میان، سخنگوی وزارت بهداشت به‌جای آنکه در منظومه طب علمی ذهن مردم را روشن کند که کدام درست است و کدام غلط و کدام خنثی و بی‌ضرر، فقط به اعلام آمار بیماران و بهبودیافتگان و درگذشتگان می‌پردازد؛ گویی منظومه علمی طب در خود سرگردانی می‌بیند و مردم هم حق دارند که سرگردان شوند و می‌بینیم که آن‌قدر مسائل را به مسامحه می‌گذارند و از تحلیل بجای آن خودداری می‌کنند که در سیمای جمهوری اسلامی فردی می‌آید و می‌گوید نارنج یا پرتقال را بو کنید، کرونا نمی‌گیرید.

این میان مردم چه گناهی کرده‌اند که باید اطلاعات مختلف و متضاد را از منابع گوناگون بشنوند و ندانند کدام درست است و کدام غلط. مثال‌های متعددی در این زمینه هست. اخیرا بیاناتی از دادستان محترم کل کشور در نقد آقای احمدی‌نژاد منتشر شده که انسان را هاج و واج می‌کند. اگر دادستان محترم کشور به‌عنوان مدعی‌العموم به حرف‌های خود اعتقاد دارند، حتما می‌دانند که ایشان عضو تشخیص مصلحت نظام هستند و حضور چنین عنصری با توصیفات ایشان هیچ تناسبی با مسئولیت او ندارد و دادستان کل کشور تنها مرجعی است که می‌تواند اقدامات قانونی علیه فردی که صفات حسنه او را به زبان آورده‌اند به‌عمل آورد.

آیا واقعا منظومه‌های مختلف در ایران این‌چنین دچار کندذهنی، خستگی، بی‌حوصلگی و محافظه‌کاری‌اند که مشهودات و بدیهیات را ملاحظه نمی‌کنند و دست و پایشان به پایه‌های میز بسته شده است؟

«شرق» روند معکوس بورس ایران با بورس‌های جهانی را بررسی می‌کند

بازی دارایی‌های کاغذی در بازار سرمایه

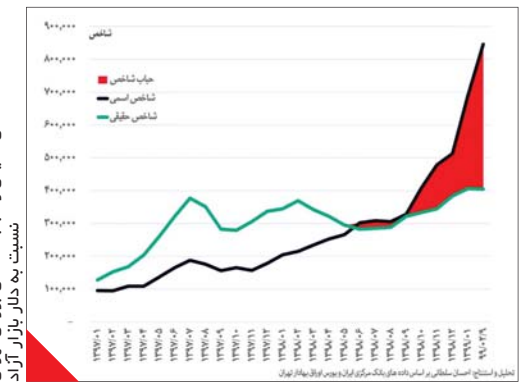

شاخص حقیقی و حباب شاخص بورس تهران
نسبت به دلار بازار آزاد

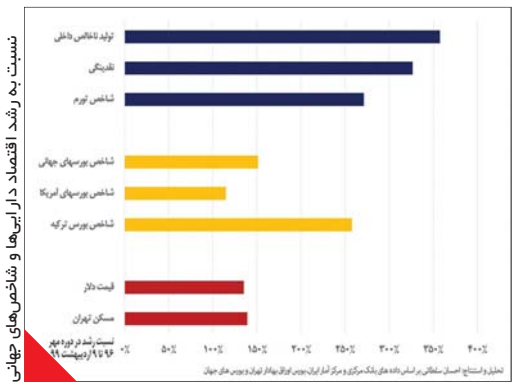

نسبت به رشد اقتصاد دارایی‌ها و شاخص‌های جهانی
رشد شاخص و ارزش بورس تهران

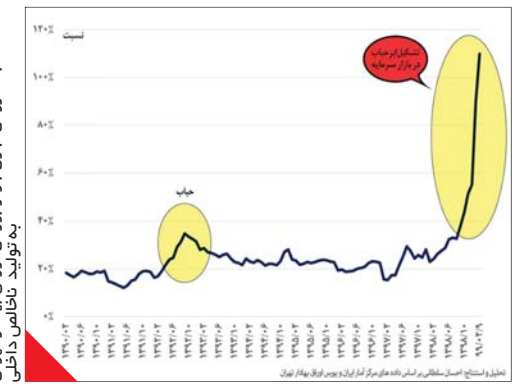

نسبت ارزش جاری بازار بورس اوراق بهادار تهران
به تولید ناخالص داخلی

شرق: بازار بورس ایران این روزها همان‌قدر که پررونق و شعله‌ور شده، سؤالات زیادی را هم برانگیخته است. چه اتفاقی افتاده که بورس جهانی به دلیل شوک اقتصادی کرونا ریزشی است و بازار بورس ایران در همین روزها هر روز ورودی میلیاردی به خود جذب می‌کند؟ تحریم‌ها، کرونا، بی‌ثباتی اقتصاد کلان، رشد اقتصادی منفی، نرخ تشکیل سرمایه منفی، رکود تورمی و تعطیلی بخش مهمی از کسب‌وکارها چطور همه بازارها را به حالت نیمه‌تعطیلی درآورده و بازار سرمایه رشدی را دارد تجربه می‌کند که سابقه نداشته است؟ وقتی همه‌چیز در حالت رکود است، بورس چطور در حال رکوردزنی است؟ آیا رشد بورس بدون رشد بخش‌های اقتصادی و بنگاه‌ها ممکن است؟ تابلوهای بورس این ناممکن را ممکن کرده‌اند. آیا این جهش تاریخی سراب است؟ این سؤالاتی است که با احسان سلطانی در میان گذاشتیم و این پژوهشگر اقتصادی با استناد به آمارهای چندین‌ساله و محاسبات بورسی حاضر، وضعیت بازار سرمایه را تحلیل کرده است. او معتقد است: «با خلق حباب دارایی‌ها، امکان حیات مجدد بنگاه‌ها و بانک‌ها فراهم می‌شود. بنگاه‌ها و بانک‌های ورشکسته و ناکارآمد که بدهی‌های آنها از دارایی‌های آنها بالاتر است، با افزایش چندبرابری ارزش کاغذی سهام‌شان نه‌فقط کاملا از نظر مالی تطهیر شده و از ورشکستگی خارج شده‌اند که حتی امکان جذب سرمایه جدید رایگان را هم پیدا کرده‌اند. فرایند خلق دارایی‌های کاغذی در بازار سرمایه، بنگاه‌ها و مدیران ناکارآمد و فاسد را به بنگاه‌ها و مدیران کارآمد و سالم تبدیل می‌کند. استمرار فعالیت این بنگاه‌ها موجب اتلاف و اختلال در تخصیص بهینه منابع، توقف فرایند تخریب خلاق، حذف فرصت‌های رشد بنگاه‌های سالم، کاهش بهره‌وری و در نهایت استمرار رکود یا رشد اقتصادی پایین می‌شود». در ادامه متن کامل این تحلیل و محاسبات احسان سلطانی از بازار این روزهای سرمایه را می‌خوانید.

رشد ۱۷ درصدی هفتگی بورس

شوک ارزی و به تبع آن افزایش قیمت طلا و سکه بورس با تأخیر بر قیمت دارایی‌های دیگر مانند زمین و ساختمان و ارزش اسمی شرکت‌ها و سهام، اثر می‌گذارد. در فاصله اندکی پس از افزایش قیمت ارز، طلا نیز با ارز هماهنگ شد و پس از چند ماه قیمت زمین و ساختمان و سهام هم بالا رفت و در نیمه سال ۱۳۹۸، با حدود سه برابر افزایش بازارهای ارز، طلا و املاک و سهام با یکدیگر به تعادل رسیدند. از دی ۱۳۹۸ تاکنون ارزش بورس با شیب بسیار تندی از قیمت دارایی‌های دیگر پیشی گرفته است. در ۷۵ روز کاری دوره ۲۱ دی ۱۳۹۸ تا نهم اردیبهشت ۱۳۹۹، قیمت دلار و مسکن بین ۱۰ تا ۲۰ درصد بالا رفته؛ اما ارزش جاری بازار بورس ۲.۳۵ برابر شده است که البته حداکثر ۱۰ درصد آن مربوط به عرضه‌های جدید می‌شود. در این ۷۵ روز کاری هر هفته ۱۰ درصد و از ابتدای سال تا ۹ اردیبهشت هر هفته ۱۷ درصد شاخص بورس تهران رشد داشته است. در روز ۹ اردیبهشت ۱۳۹۹، نسبت ارزش جاری بورس اوراق بهادار تهران به تولید ناخالص داخلی (شاخص وارن بافت) و حجم نقدینگی به بیش از ۱۱۰ درصد بالغ شد. در این روز ارزش دلاری بورس تهران به بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار صعود کرد که ۲.۴ برابر میانگین سال ۱۳۹۶ است.

به‌راستی با وجود «تحریم‌ها، تنش‌های سیاسی، اقتصادی و جنگی، کرونا، بی‌ثباتی اقتصاد کلان، رشد اقتصادی منفی، نرخ تشکیل سرمایه منفی، رکود تورمی، تعطیلی بخش مهمی از کسب‌وکارها و ...» چه رویدادی در اقتصاد ایران اتفاق افتاده است که بازار سرمایه ایران در روندی معکوس با اقتصاد ایران و جهان چنین روند رشد شتابانی را طی می‌کند.

حباب دارایی‌ها در بورس تهران

در دوره شوک ارزی (مهر ۱۳۹۶ تا ۹ اردیبهشت ۱۳۹۹)، تحولات مهم بورس اوراق بهادار تهران (با در نظر داشتن عرضه‌های جدید) نسبت به اقتصاد، بازارها و دارایی‌ها نشان می‌دهد تا چه میزان بازار سرمایه دچار حباب دارایی‌ها شده است: ۱- نسبت رشد ارزش جاری بازار بورس تهران به رشد قیمت دلار: ۱۳۵ درصد. ۲- نسبت رشد ارزش جاری بازار بورس تهران به رشد قیمت مسکن تهران: ۱۳۹ درصد. ۳- افزایش نسبت ارزش جاری بازار بورس تهران به تولید ناخالص داخلی: ۳۵۸ درصد. ۴- افزایش نسبت ارزش جاری بازار بورس تهران به حجم نقدینگی: ۳۲۷ درصد. ۵- افزایش نسبت ارزش جاری بازار بورس تهران به شاخص قیمت کالاها و خدمات: ۲۷۱ درصد. ۶- نسبت رشد شاخص بورس تهران به شاخص جهانی بورس‌ها (با تعدیل دلار): ۱۵۱ درصد. ۷- نسبت رشد شاخص بورس تهران به شاخص بورس آمریکا (با تعدیل دلار): ۱۱۵ درصد. ۸- نسبت رشد شاخص بورس تهران به شاخص بورس بورسا-استانبول (با تعدیل دلار): ۲۵۸ درصد. ۹- جلوافتادن شاخص بورس تهران (با تعدیل دلار) از قیمت طلا به میزان ۷۶ درصد با وجود عقب‌افتادن شاخص جهانی بورس‌ها از قیمت طلا به میزان منفی ۱۲ درصد. ۱۰- نزدیکی شاخص وارن بافت کل بازار سرمایه ایران به بازار سرمایه بسیار قدرتمند آمریکا (با سهم ۴۵ درصد از ارزش بازار سرمایه جهان و سهم این کشور از ۲۴ درصد اقتصاد جهان)

برای افکار عمومی توجیه می‌شود که عرضه‌های جدید یا کشف ارزش ذاتی شرکت‌های بورسی (آن هم پس از گذشت سال‌ها) موجب افزایش ۹برابری ارزش جاری بورس شده است؛ هرچند عرضه‌های جدید تأثیر دارد؛ اما سهم کمی در انفجار شاخص‌ها دارد. چنان‌که بزرگ‌ترین عرضه تاریخی در بورس (سهام شستا) فقط ۲.۲ درصد بر ارزش جاری بورس تأثیرگذاشته است. روند نزولی و میزان پایین سرمایه‌گذاری در ۱۰ سال اخیر (دو تحریم پی‌درپی با فاصله کم) موجب شده که بخش درخورتوجهی از بنگاه‌های صنعتی و اقتصادی بورسی به میزان درخورتوجهی مستهلک و حتی از نظر فناوری از رده خارج شوند و در نتیجه ارزش ذاتی آنها پایین بیاید. با وجود اثر محدود عرضه‌های جدید، عوامل متعددی از قبیل (۱) نااطمینانی‌ها و تنش‌ها و ریسک‌های بالای اقتصادی-سیاسی (۲) تحریم‌ها (۳) کرونا و رکود شدید اقتصاد جهانی و داخلی (۴) افت قیمت فروش محصولات بنگاه‌های غالب ارزش بورس و (۵) کاهش درخورتوجه سوددهی بنگاه بورسی در سال جاری، عوامل تأثیرگذار بر روی کاهش جدی شاخص بورس در سال جاری هستند؛ باوجوداین ارزش دلاری بورس ۲.۳۵ برابر شده است. با توجه به ۱۰ نکته یادشده و لحاظ‌کردن عرضه‌های جدید، حدود ۵۰ درصد از ارزش بورس تهران شامل حباب است که ارزش آن در حدود هزارو ۵۰۰ هزار میلیارد تومان (معادل ۶۰ درصد حجم نقدینگی) برآورد می‌شود.

اقتصاد سفته‌بازانه

کینز، اقتصاددان برجسته قرن بیستم، می‌گوید «می‌توان شرایطی را تصور کرد که سفته‌بازان مانند حباب‌های قیمت، زیانی برای جریان پایدار کسب‌وکارها نداشته باشند؛ اما وضعیت زمانی حاد می‌شود که کسب‌وکارها بدل به حبابی روی گرداب سفته‌بازی شوند. زمانی که توسعه سرمایه یک کشور محصول جانبی فعالیت یک سفته‌بازی باشد، این یعنی سیستم معیوب است». هدایت منابع مالی نباید فقط براساس نرخ سود بیشتر بازارها انجام شود؛ زیرا دراین‌صورت فعالیت‌های نامولد سوداگری و دلالی، همواره سهم درخورتوجهی از منابع مالی را به خود اختصاص خواهند داد و بخش‌های مولد از نظر جذب منابع مالی در تنگنا قرار می‌گیرند یا اینکه به واسطه نرخ‌های سودآوری بالا، فعالیت‌های سفته‌بازانه و سوداگرانه هزینه پول (بهره) بالا می‌رود و بخش‌های مولد قدرت رقابت یا جذب منابع مالی را از دست می‌دهند. در «سرمایه‌داری سفته‌بازانه» افراد به جای ورود سرمایه‌های خود به بخش تولید، فقط به دنبال دلالی و کسب سود از محل سوداگری و سفته‌بازی هستند.

بخش غالب سرمایه‌گذاری اغلب شرکت‌های بورسی با تسهیلات بانکی انجام شده است. میانگین ارزش سهام این شرکت‌ها در دو تا سه سال اخیر ۹ برابر شده؛ اما ارزش تسهیلات دریافتی حتی با احتساب بهره کمتر از دو برابر شده است. به عبارتی در اینجا از هیچ، پول خلق شده است. با ایجاد حباب دارایی‌ها در بورس هم‌اکنون صدها هزار میلیارد تومان رانت سرمایه به وجود آمده است. برای درک بهتر از خلق حباب دارایی‌ها و ابعاد سفته‌بازی در بورس تهران، باید اشاره شود که فقط در فاصله ۱۸ تا ۲۶ فروردین ۱۳۹۹ حجم ۲۰۷ هزار میلیارد تومان و در ۹ روز اول اردیبهشت ۱۳۹۹ حجم ۵۸۰ هزار میلیارد تومان حباب در بورس ایجاد شده که بیش از ۱۰ برابر ارزش سهام ارائه شستا به میزان ۶۹ هزار میلیارد تومان است.

با خلق حباب دارایی‌ها، امکان حیات مجدد بنگاه‌ها و بانک‌ها فراهم می‌شود. بنگاه‌ها و بانک‌های ورشکسته و ناکارآمد که بدهی‌های آنها از دارایی‌ها آنها بالاتر است، با افزایش چندبرابری ارزش کاغذی سهام آنها نه‌فقط کاملا از نظر مالی تطهیر شده و از ورشکستگی خارج شده‌اند؛ بلکه حتی امکان جذب سرمایه جدید رایگان را هم پیدا کرده‌اند. فرایند خلق دارایی‌های کاغذی در بازار سرمایه، بنگاه‌ها و مدیران ناکارآمد و فاسد را به بنگاه‌ها و مدیران کارآمد و سالم تبدیل می‌کند. استمرار فعالیت این بنگاه‌ها موجب اتلاف و اختلال در تخصیص بهینه منابع، توقف فرایند تخریب خلاق، حذف فرصت‌های رشد بنگاه‌های سالم، کاهش بهره‌وری و در نهایت استمرار رکود یا رشد اقتصادی پایین می‌شود.

«شرق» از سرعت ابطال معاملات در بورس کالا گزارش می‌دهد

ابطال‌های سلیقه‌ای

شرق: چند هفته‌ای است که معاملات فولاد در بورس کالا ابطال می‌شود. براساس گفته فعالان این بخش، رعایت‌نکردن قیمت پایه و سقف برای فولاد عرضه‌شده در بورس کالا، دلیل ابطال معاملات اعلام‌شده است. آن‌طور که فعالان این صنعت می‌گویند، توقف دادوستد، روند دریافت مایحتاج زنجیره فولاد از بورس کالا را با اختلال مواجه کرده است. اعضای زنجیره صنعت فولاد نگران‌اند که روند تولیدشان با این بی‌نظمی‌ها مختل شود؛ اما آیا قیمت‌گذاری یک کالا در بورس تا این حد دشوار است که شاهد اختلالات مکرر و ابطال معاملات به دلیل قیمت‌گذاری نادرست باشیم؟ یاسر مؤمنی، کارشناس بورس کالا، در گفت‌وگو با «شرق» عنوان می‌کند: تک‌روی وزارت صمت و استفاده‌نکردن از تجربیات کارشناسان بورس کالا در قیمت‌گذاری سبب شده است که بخشی از معاملات ابطال شود. او تأکید می‌کند: همکاری بورس کالا و وزارت صمت همچنین استفاده از تجربیات کارشناسی در قیمت‌گذاری‌ها می‌تواند این مشکل را برطرف کند. تلاش‌های خبرنگار «شرق» از طریق روابط‌عمومی قائم‌مقام وزیر صمت در امور بازرگانی برای یافتن دلیل دخالت وزارت صمت در قیمت‌گذاری‌های بورس کالا به ارسال سؤالات موکول شد؛ اما پیش‌تر رضا محتشمی‌پور، معاون عملیات و نظارت بورس کالا، درباره دلیل ابطال معاملات فولاد در بورس کالا گفته بود که فرمول استفاده‌شده در قیمت‌گذاری شمش، مبنای علمی ندارد. معاملات شمش در بورس کالا با اختلال مواجه شده است. چند هفته‌ای است که معاملات بورس کالا در حوزه فولاد باطل می‌شود و تولیدکنندگان دخالت‌های وزارت صمت را عامل ابطال دادوستدها در بورس اعلام می‌کنند. به اعتقاد فعالان صنعت فولاد، نرخ شمش فولاد خوزستان تعیین‌کننده همه قیمت‌هاست؛ اما این محصول، واقعی قیمت‌گذاری نمی‌شود. رضا محتشمی‌پور، معاون عملیات و نظارت بورس کالا نیز در یک برنامه تلویزیونی درباره دلیل ابطال معاملات فولاد در بورس کالا می‌گوید: مسئله اول روش تعیین قیمت شمش به‌عنوان کالای پایه اقلام فولادی است. همه کالاهای دیگر را براساس فرمولی بر پایه شمش، قیمت‌گذاری می‌کنیم. او ادامه می‌دهد: مشکل ما این است که نمی‌دانیم فرمولی که برای تعیین قیمت شمش در حال استفاده است، آیا از استحکام لازم برخوردار است یا خیر؛ زیرا عددی که از این فرمول استخراج می‌شود، مبنای علمی ندارد. محتشمی‌پور با بیان اینکه قیمت شمش به‌درستی تعیین نمی‌شود، عنوان می‌کند: فرمول استفاده‌شده در قیمت‌گذاری مورد انتقاد است و به این موضوع کمتر توجه شده است. او اضافه می‌کند: گذاشتن سقف قیمتی در بورس یکی از پرهزینه‌ترین اقدامات ممکن در بورس است؛ اما به‌مراتب از وضع فعلی بهتر است.

تأیید معاملات بورس شفاف نیست

چه کسی شمش را قیمت‌گذاری می‌کند؟ آیا روند معاملات و قیمت‌گذاری در بورس شفاف نیست که دادوستد انجام‌شده در این مجموعه ابطال می‌شود؟ یاسر مؤمنی، کارشناس بورس کالا، در گفت‌وگو با «شرق» بیان می‌کند: معاملات در بورس کالا به صورت شفاف انجام می‌شود؛ ولی تأیید این معاملات به صورت شفاف نیست. او اضافه می‌کند: بورس کالا چندین سال است که فعالیت خود را شروع کرده است و معاملات را انجام می‌دهد. بیش از یک سال است که وزارت صنعت، معدن و تجارت (صمت) هم در قیمت‌گذاری بورس کالا دخیل شده و واردشدن وزارت صمت باعث شده است که بورس کالا نتواند به‌درستی کار خود را انجام دهد. مؤمنی می‌گوید: درحال‌حاضر باید وزارت صمت از تجربه کارشناسان بورس کالا به‌درستی استفاده کند؛ نه اینکه تصمیم‌گیری بورس کالا را کنار بگذارد و بگوید خودم باید رأسا کار قیمت‌گذاری را انجام دهم. دراین‌صورت یا قیمتی به‌درستی نمی‌دهند یا اینکه در تصمیم‌گیری و ثبت قیمت‌ها از کمک بورس کالا استفاده نمی‌کنند که در نهایت منجر به بروز مشکل می‌شود و این مهم‌ترین بخش قضیه است. در واقع تک‌روی وزارت صمت مشکل‌آفرین شده است. او تأکید می‌کند: اگر از نظر کارشناسان بورس کالا استفاده می‌کردند، قطعا نتایج بهتری در این چند وقت گرفته می‌شد و دراین‌صورت نه مصرف‌کننده نهایی متضرر می‌شد و نه تولیدکننده ناراضی بود. این کارشناس بورس حجم معاملات ابطال‌شده در بورس کالا را چندان زیاد نمی‌داند. او می‌گوید: ممکن است در اسفندماه حدود صد هزار تُن فولاد معامله‌شده را ابطال کرده باشند. در ماه بعد هم بخشی از معاملات را ابطال کرده باشند. معمولا وقتی تصمیم‌گیری نادرستی انجام می‌شود، زمان می‌برد که تبعات این تصمیم اصلاح شود و بازار روند خود را پیدا کند. به گفته او ازآنجاکه حجم معاملات انجام‌شده در بورس کالا در حوزه فولاد چندان زیاد نیست، فروشندگان کمتر متضرر می‌شوند و بخش تولید هم آسیب جدی از ابطال معاملات نمی‌بینند.

بی‌توجهی وزارت صمت به عرضه قطره‌چکانی

مؤمنی در سخنان خود به عرضه قطره‌چکانی برخی شرکت‌ها و بی‌توجهی وزارت صمت به اجرای تعهدات شرکت‌های فولادی هم اشاره می‌کند. او می‌گوید: درحال‌حاضر شرکت فولاد کویر متناسب با تولید خود عرضه می‌کند. روهینا هم عرضه متناسبی دارد؛ اما چرا ذوب‌آهن و فولاد خراسان به‌درستی عرضه‌های خود را انجام نداده و به تعهدات‌شان عمل نمی‌کنند. این دو شرکت به صورت قطره‌چکانی محصول به بورس کالا عرضه می‌کنند. درحال‌حاضر شرکت فولاد خراسان آیا هم‌وزن فولاد کویر یا روهینا تولید دارد که به اندازه آنها فولاد در بازار عرضه می‌کند؟ ظرفیت تولید این دو شرکت زیاد است؛ اما عرضه‌شان کمتر از شرکت فولاد کویر است. مؤمنی، بیشتر سهام فولاد خراسان را متعلق به دولت معرفی می‌کند. به گفته او ذوب‌آهن اصفهان و فولاد خراسان با عرضه بخش کوچکی از تولیدات خود در بورس فقط می‌خواهند این‌گونه وانمود کنند که در بورس حضور دارند و حضورشان به‌عنوان تولیدکننده را در بورس کالا اعلام کنند. این در حالی است که براساس ضوابط موجود، این دو شرکت باید ۶۰ تا ۷۰ درصد تولیدات‌شان را در بورس کالا عرضه کنند.

او تأکید می‌کند: هیچ‌یک از تعهدات این دو شرکت محقق نمی‌شود و وزارت صمت هم دراین‌باره جلساتی داشته و صحبت‌های زیادی کرده است؛ اما ما تاکنون چیزی ندیده‌ایم. این کارشناس بورس کالا می‌گوید: درحالی‌که وزارت صمت کمتر در مسئله اجرانشدن تعهدات شرکت‌های فولادی برای عرضه حجم متناسب محصول در بورس کالا دخالت می‌کند، این وزارتخانه معاملات انجام‌شده در بورس کالا را هم ابطال می‌کند. او تأکید می‌کند: اگر وزارت صمت از تجربه کارشناسان و مدیران ارشد بورس کالا استفاده کند و راهکاری برای قیمت‌گذاری بیندیشد، این مشکلات حل می‌شود. راهکار استخراج‌شده از همکاری بین کارشناسان بورس کالا و وزارت صمت، یک راه عملی و مقرون به صرفه برای تولیدکننده و مصرف‌کننده خواهد بود.

تشدید اختلال در بورس در ۲ هفته اخیر

مؤمنی به‌عنوان کارشناس بورس، نبود همکاری بین وزارت صمت و بورس کالا را دلیل ایجاد اختلال در بورس کالا معرفی می‌کند. بهرام سبحانی، رئیس انجمن تولیدکنندگان فولاد، نیز در گفت‌وگو با «شرق» اختلالات ایجادشده در بورس کالا به دلیل ابطال معاملات را مربوط به دو هفته اخیر اعلام می‌کند. او می‌گوید: گاهی ابطال معاملات سابقه داشته است؛ اما دو هفته‌ای است که این مسئله خیلی تشدید شده است. سبحانی با تأکید بر اینکه باید باطل‌کنندگان معاملات توضیح دهند که به چه دلیل این معاملات ابطال می‌شود، محصولات عرضه‌شده در بورس را خوراک یک‌سری کارخانه می‌داند که اگر به‌موقع به محل کارخانه نرسد، روند تولید را مختل خواهد کرد. او بیان می‌کند: کسی که در بورس این معامله را انجام می‌دهد، یک‌سری نیاز دارد که وارد این فضا می‌شود و با آن قیمت محصول می‌خرد. مسئولان با این توجیه که قیمت بالاست، معاملات را باطل می‌کنند و کسی که سفارش داده است، اگر کارخانه‌دار باشد، کارخانه‌اش لنگ می‌شود و اگر مصرف‌کننده نهایی باشد، همه برنامه‌هایش به هم می‌خورد. او احتمال می‌دهد که روند تولید در صنعت فولاد دچار اختلال شود؛ زیرا با ایجاد اختلال در معاملات بورس کالا، تولیدکننده که قرار است به پولش برسد، به پول نمی‌رسد و سرمایه در گردش نمی‌تواند ایجاد کند. انبار تولیدکننده‌ها پر می‌شود و در مقابل مصرف‌کننده هم نمی‌تواند ماده اولیه بخرد و روند تولیدش متوقف می‌شود.

یادداشت

اخذ مالیات از حساب‌های لوکسی که معاف از مالیات هستند

رضا محمدی . کارشناس اقتصادی

در شرایطی که کشور با کسری بودجه مواجه بود، شیوع کرونا و هزینه‌های ناشی از آن، این کسری را بیشتر تعمیق کرد. شیوع کرونا سبب شد تا بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی تعطیل شود و بسیاری از مردم نیازمند حمایت شوند. همچنین دولت نیز از این تعطیلی زیان دید چراکه باید منابعی برای حمایت تأمین کند. در این شرایط برای جبران کسری بودجه مطابق اظهارات صاحب‌نظران افزایش پایه‌های مالیاتی ازجمله مالیات سود سپرده‌های بانکی و مالیات بر دارایی‌های لوکس مانند خانه و ماشین است. زمانی که دولت سرگرم بودجه‌ریزی برای سال ۹۹ بود، کارشناسان اعلام می‌کردند که به‌دلیل کاهش شدید فروش نفت در سال آینده با کسری بودجه مواجه خواهیم بود. دولت اما معتقد بود که در تأمین بودجه مشکلی نیست و به‌اصطلاح بودجه تراز بسته شده است. در همان روزهای ابتدایی بررسی بودجه در مجلس، برخی کارشناسان اقتصادی در نامه‌ای به نمایندگان مجلس نوشتند: «نتیجه برخورد نه‌چندان جدی با اصلاحات ساختاری بودجه در لایحه بودجه سال ۱۳۹۹ چیزی جز کسری قابل‌توجه پنهان در لابه‌لای بودجه نیست که براساس محاسبات مراجع معتبر کارشناسی، رقم آن بالغ بر ۱۶۰ هزار میلیارد تومان برآورد شده است».بودجه‌ای که با فروش روزانه یک میلیون بشکه نفت ۵۰ دلاری بسته شده بود. هر کسی که اندکی از میزان فروش نفت و قیمت آن سر درمی‌آورد متوجه می‌شد که درآمد انتظاری دولت از نفت برآورده نخواهد شد، چراکه رقم فروش نفت در کشور بسیار پایین‌تر از عدد مشخص شده بود و البته روند کاهشی نیز داشت.برخی دیگر از منابع درآمدی دیگر دولت در بودجه ۹۹ که آنها غیرپایدار و مضر به اقتصاد کشور بودند، برداشت از صندوق توسعه ملی و فروش اموال دولتی بود که اینها نیز مورد انتقاد کارشناسان بود، چراکه صندوق توسعه ملی اساسا برای جبران کسری بودجه نبود و هدف از تأسیس آن کمک به پروژه‌های زیربنایی و بخش خصوصی بود و راه‌حل بعدی نیز درواقع فروش آینده کشور برای گذران یک سال بود.با این همه، اما مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارش بررسی بودجه ۹۹ تحت عنوان «بودجه به زبان ساده» رقم کسری بودجه را بیشتر از پیش‌بینی‌های انجام‌شده اعلام کرد: «توازن بودجه صرفا تا حدود زیادی روی کاغذ انجام شده و بودجه در فرایند اجرا با کسری قابل‌توجهی مواجه خواهد شد. تلاش دولت برای توازن بودجه، عمدتا به استفاده از استقراض از طریق اوراق یا صندوق توسعه ملی محدود شده و با وجود این، باز هم این هدف محقق نشده است و معادل نصف بودجه و بیشتر، کسری است که به‌طور صوری (باوجود استقراض و...) تراز شده است». مطابق این گزارش کسری بودجه دولت به رقمی در حدود ۲۴۲ هزار میلیارد تومان می‌رسید.این کسری بودجه در شرایطی بود که هنوز ویروس کرونا در کشور شیوع پیدا نکرده بود. شیوع این ویروس زخم دیگری شد بر پیکره بودجه ناتوان کشور و کسری آن را بیش از پیش کرد. برای جبران این کسری بودجه به جای برداشت از صندوق توسعه، استقراض از بانک مرکزی یا فروش آینده کشور، کارشناسان افزایش درآمدهای مالیاتی ازطریق افزایش پایه‌های مالیاتی را پیشنهاد می‌دادند؛ ازجمله این پایه‌های مالیاتی که می‌توانستند بدون ایجاد فشار بخش تولید و اقشار کم‌درآمد، سبب افزایش درآمدهای دولت و جبران کسری بودجه شوند عبارت بودند از مالیات بر سود سپرده‌های بانکی، مالیات بر خانه‌های خالی و ماشین‌های لوکس. مطابق ماده ۱۴۵ قانون مالیات‌های مستقیم، سود سپرده‌های بانکی معاف از مالیات هستند. بی‌شک، معافیت سود سپرده‌های بانکی، موجب می‌شود که سپرده‌گذاری در بانک و کسب سود قطعی به‌عنوان یک فعالیت اقتصادی بدون ریسک، جذابیت سرمایه‌گذاری در بخش مولد اقتصاد را کاهش دهد؛ به عبارت دیگر، معافیت مالیاتی سود سپرده‌ها، سپرده‌گذاری در بانک را به یک رقیب قدرتمند برای بخش تولید تبدیل خواهد کرد.

ادامه در صفحه ۵

آگهی مناقصه عمومی (تجدید) نوبت اول

شهرداری محمدشهر درنظردارد بر اساس مصوبه شماره ۱۲۵۶مورخ ۱۳۹۸/۰۹/۱۹ ،پروژه های ذیل را از طریق برگزاری مناقصه عمومی به پیمانکاران واجدالشرایط به شرح ذیل واگذار نماید .لذا از کلیه متقاضیان دعوت بعمل می آید حداکثر تا پایان وقت اداری روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۹/۰۲/۲۸ با مراجعه به واحد امور قراردادهای شهرداری ضمن واریز ۵٪ سپرده پیمان به عنوان سپرده شرکت در مناقصه نسبت به اخذ اسناد مناقصه اقدام نمایند . سایر اطلاعات و جزئیات در اسناد مناقصه مندرج شده و هزینه چاپ آگهی به عهده برنده مناقصه می باشد .شایان ذکر است پرداخت مبلغ قرارداد به صورت ۴۰٪ نقد و ۶۰٪ تهاتر میباشد .

ردیف	موضوع	مبلغ به ریال	مبلغ سپرده شرکت درمناقصه (ریال)	رتبه
۱	بهسازی بلوار دشت بهشت	۱۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰	فهرست بهای ابنیه و راه و باند سال ۱۳۹۹
۲	احداث پارک بزرگ شهر	۳۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۱/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰	فهرست بهای ابنیه سال ۱۳۹۹

سعید صفری –شهردار محمدشهر